



نام مثل به وسیله تم  
 مانند اینها در حصین  
 زندگانی خوش و پایدار  
 تثنین طهارت آن جنم  
 بحیث حاصل میشود باید  
 نظراً عدم خصوص طهارت  
 بحیثیه مثل پوست  
 ظاهر ایاک میشود بعبیه  
 غیر عین بعد از علیا که  
 ندانم مستحید شود بیک  
 زها تثنین پاک میشود  
 حج با پاک میشود چنانچه  
 زاب هر که شود پاک میشود  
 بصیرت قبل از علیان  
 تثنین یافتن یا با تسبیح  
 بت در رج اعتبار  
 بر کشته است در حکم  
 بخیبر شده و این رکعت  
 نشاید در غیر وقتها اذین  
 بدان خواهد بود آن  
 تحت و درخت و اینها که  
 اینها میاید این حج بی  
 است و این از یاد انتقال  
 بچند است سر اهل حج  
 یا طراست که بجز در زوال  
 محاسن پاک است یا نه

نماز استیجار باشد واجب نیست بر سر بزرگ بعمل آوردن آن و اگر تبرعا از برایت <sup>بشخصه</sup>  
 قضا نماید آن عمل با ساقط میشود از اولی و جایز است از بزرگی استیجار نمودن غیر المجهت  
 نماز خصوصا هر گاه کردن نماز بزرگ مشکل باشد فایده بجز در باره مهم از نمازهاست و در آن  
 چند فصل فصل اول در نوافل مرتبه است سنت است بر هر که بالغ و عاقل و خالی از  
 حیض و نفاس باشد بر یکی از دو طهارت اختیار و اضطرار به در هر شبانه روز در  
 سه و چهار رکعت نماز و اکتفاء بحدتها در آنها میتوان کرد و توظیف آنها باین نیست  
 که بعد از زوال آفتاب هشت رکعت باید کرد و بعد از نماز ظهر هشت رکعت و بعد از نماز  
 مغرب چهار رکعت و بعد از نماز عشا دو رکعت و افضل در غیر این دو رکعت استاده  
 بجا آوردن است و در این دو خلافت و این دو رکعت محبوب بیک رکعت است و اسم  
 آن و تیره است و سپرده رکعت نافله شب صبح است که یا زده رکعت آن از شب است  
 یا زده هم آن یک رکعت است و نامیده شود بوتر و دو رکعت بعد از نافله صبح است و آن  
 سنت است در نماز شب در دو رکعت اول از آن در هر رکعت سه دفعه خواندن سوره  
قل هو الله احد و در بقای آن از سوره ها طولانی مثل انعام و کهف و انبیاء و حویم  
 هر گاه وقت باشد و سنت است خواندن سوره بزرگتر از دو رکعت اول و سوره  
کوچکتر از دو رکعت دوم و خواندن قل هو الله احد و قل هو الله احد و قل هو الله احد  
قل هو الله احد در شفع و وتر یا قل هو الله احد در هر سه رکعت و مناسبت در قنوت  
 و تر دعاء نمودن چهل مؤمن چونکه از اسباب استجاب و دفع مکر و کثرت رزق است  
 و اما توظیفه آن بخصوص هر چند جمیع ذکر عموده اند ولیکن این ضعیف مطلع شد  
 بر آن و امید هست که این عاصم را فراموش نکنند چه در حیوة و چه در مآ و طفل و  
 خسته و مسووم و زن و محسوب از عدد ندارند و در قنوت و تر هفتاد مرتبه استغفار  
 مؤکداست و بگوید هذا مقام العائذ بك من النار هفت دفعه و سنت است در <sup>حال</sup>

استغفار

استغفار است چه بلند بکشد و یک راست بشمارد و مداومت بر هفتاد استغفار در  
 یک سال نیز سنت است چنانچه گفتن صد مرتبه استغفار افضل از هفتاد است  
 استغفار اینست استغفر الله و اتوب اليه يا استغفر الله ربي و اتوب اليه يا استغفر  
 لجميع ظلمي و جرمي و اسرافي في امري و اتوب اليه و سنت است در قنوت مذکور سید  
 العفو گفتن و ترتیب بسیار غای بر مؤمنین و استغفار و العفو به هیچ مذکور بهتراست  
 و در سفر نوافل روز و نافله عشاء نیز ساقط میشود و نافله مغرب و نافله شب صبح  
 ساقط میشود لیکن سقوط نوافل در وقتی است که قصر در آن سفر واجب معین  
 باشد و اما در سفری که نماز در آن باید تمام کرد یا مختیر است در میان قصر و تمام  
 ساقط نیست و هم چنین باقی نوافل غیر مرتب در فوخته و غیر فوخته ساقط نمیشود  
 و اگر در شب بیدار شود در وقت باقی مانده باشد بقدر تمام نماز شب اکتفا کند به  
 رکعت شفع و وتر و در روز جمعه سنت است چه از بر جمع کند از وجه غیر آن بیت  
 رکعت نافله بجلاوه نمودن بر نافله هر روز چهار رکعت و افضل پیش داشتن تمام  
 بیت رکعت است بر زوال و باین طریق کردن که شش رکعت از او صبح و شش  
 از آن در بلند شد افتاد و شش بعد از آن در حواله زوال و دو رکعت متصل بزوال  
 بکند و جایز است جمیع را در یک مجلس کردن چه پیش از زوال چه بعد از زوال  
 فصل دوم در نماز نیت مسجد سنت است کسی که وارد میشود در مسجد دور  
 نماز بگذارد در آن هر سوره که خواهد بلکه هر گاه خواهد سوره بخواند و ظاهر  
 است که کفایت بهر ضیه و نافله مخصوص میشود از این نماز و کراهت عبور نمودن  
 در مسجد باین نماز رفع میشود فصل سیم در نماز جعفر طیار و آن سنت مؤکداست  
 و فضیلت آن بسیار است و مستحب است در هر روز یکبار که تواند و اگر نتواند  
 در هر روز یا هر جمعه یا هر سال و در چند صحیح است که امر زید میشود

۷۰۹ بل از نواظر است مثل باطن  
 دهن و دماغ سر آب مضاف  
 اگر نجس شود قابل تطهیر است  
 با آب مطلق یا نه و بر فرض قبول  
 آیا فرقی هست میان آب قلیل و نیزم  
 کثیر باید حج آب مضاف ظاهر  
 میشود مگر با آب مطلق در قلیل  
 بنحویکه امتزاج حاصل شود که  
 از اسم اضافه بر بودن رود بلکه  
 بنحوی باشد که مطهر باقی باشد  
 بر اسم اطلاق با آب قلیل ممکن است  
 تطهیر مضاف چنانچه آب مطلق چه الح  
 قلیل باشد یا کثیر ظاهر غنیتر  
 مگر با امتزاج نجس با آب که منغیر  
 نشود بجز در ملاقات مثل کرم  
 و حیوان بل در غیر اینها تفاوت  
 سایر متنجسات پس طهارت  
 حاصل میشود با آب قلیل و  
 کثیر هر دو و بنحویکه در سابق  
 ذکر شد سر خوردن و نشستن  
 بنجس و متنجس جایز است یا نه  
 حج جایز نیست بلکه حرام است  
 پس آیا شرط است که مکان  
 مصلی ظاهر باشد یا نه حج  
 ناپدید بودن محل مسجد مصلی

از هر سجده است مشیت و غیر مشیت  
شرط است در حق صلو و ایما  
محل و مکان سایر اعضا مصلی  
پس در آن شرط نیست طهارت  
مکرر وضو که نجاست ساریه  
شوی بدین مصلی در آن باشد  
پس در وضو لازم است اجتناب  
سجده ایست و وضع نجاست  
در آن چه صورت دارد حرام  
است و در حومت وضع فرقی  
نیست میان اینکه نجاست متعلق  
باشد یا نه بل در وضع متنجس  
از قبیل ثوب مجس و نجاست عقد  
خزیه خلا الذقوة نیست شرط  
عدم نیت سجده مشاهد  
مشرف در حکم مساجد است  
بلند حج بلی در حکم مساجد است  
مثل حرم و رواق و اما حرم  
ظاهر نیست که داخل در حکم  
مساجد نباشد سر آیا جایز است  
انتفاع با عیان نجاست و نجاست  
که قبل از تطهیر نباشد بلند حج  
انتفاع با عیان نجاست و نجاست  
مکرر سجده تطهیر بر او اما عیان  
متنجس پس احوط است اجتناب  
اگر چه چنانچه انتفاع با عیان  
از هر بلای آن مثل انتفاع  
بجناح و حیوان خلا الذقوة

از یک تو آنچه در میآید و نماز از کناه و آن چهار رکعت است بدو سلام و سنت که در رکعت  
اول بعد از حمد سوره اذان لرزه بخواند و در رکعت دوم و الغادیا و در سیم اذاجا و نصر الله  
و در چهارم قل هو الله احد و در هر رکعت بعد از قرائت نایزه مرتبه بگوید سبحان الله و  
الحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و در رکوع ده مرتبه و چون سر از رکوع بر میدارده  
مرتبه و در سجده اول ده و بعد از سر برداشتن ده مرتبه و در سجده دوم ده مرتبه  
و سر برداشتن از آن مثل سجده اول و در سه رکعت دیگر مثل این رکعت بکند و احوط  
ترک نمودن ذکر رکوع و سجود است بلکه اظهر فرق نبودن میان نماز فرضیه و این نماز  
در این معنی و اذکار را بعد از ذکر رکوع و سجود بگوید و جایز است آنرا از توافل رواج  
و قضاء آنها قرائت دهد و جایز است تسبیح آنرا بعد از قرائت از نماز بگوید هر گاه تعجیل  
داشته باشد و در نماز نتواند بگوید چنانچه هر گاه از ضرورت او زانو دهد و رکعت  
از آن زاکر ده باشد جایز است عقیدن کار بر و بعد از آن دو رکعت دیگر با یکدیگر  
سنت است در سجده سخن نماز بگوید یا من لبس العز و الو قار یا من تعطف بلحید و لکنم  
به یا من لا یبغی الشیخ الا له یا من احصی کل شیء علیه یا ذا النعمه و الطول یا ذا  
المن و الفضل یا ذا القدره و الکریم اسئلت بمعانید العز من عرشک و منتهی  
الرحمة من کابلت و یا سید الا عظم الاعلی و کما نکت الثامات ان تصلی علی محمد  
و آل محمد و ان تفعل بی کذا و کذا یا ارحم الراحمین و حاجت خود را بجا کذا و کذا کند  
و بعضی ادعیه سنت است که بعد از آن خوانده شود و آن در کتاب دعیه مذکور است  
و عمل با آنچه در آنهاست و نسبت فضل جهان مرد در نماز لیکه اندن طن دور رکعت  
است در رکعت اول بعد از حمد آیه الکرسی بخواند و در رکعت دوم اولی است که بعد  
از حمد مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و هر گاه سلام گفت بگوید اللهم صل علی محمد  
و آل محمد و انبعث ثوابها الی قبر فلان و اسم آن شخص را بجا فلان ذکر کند و آنچه متعارف

که چهل

که چهل نفر کرده باشند ضعیف ندارد و فتوا احد را هم از ضعف مطلق نشد و مع  
 بدون فصل خصوصیت عیب ندارد و هر گاه در نماز چنانچه متعارفت بصیغه درجا  
 میرند مناسب است که بعد از زدن نماز کرده میشود **فصل پنجم** در نماز غفیله و آن  
 دو رکعت است در میان نماز مغرب و عشاء بعد از حمد در رکعت اول بخواند **وَذَا النُّونِ**  
**اِذْ هَبْ مَغْضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ**  
**لَوْ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ النِّمْرِ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ** و در دوم  
**وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرُوجِ وَالْعَجْرُ وَمَا تُنْقِطُ مِنْ دَرَقَةٍ إِلَّا**  
**يَعْلَمُهَا وَلَا حِجَابَ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبًا وَلَا يَابِسًا إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ** و در دو رکعت  
 کند و بگوید **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ**  
**مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا وَبِحَاجَتِي كَذَا وَكَذَا وَبِحَاجَتِي كَذَا وَكَذَا وَبِحَاجَتِي كَذَا وَكَذَا**  
**وَلِيَّ نِعْمَتِي وَالْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ تَعَلَّمَ حَاجَتِي فَاسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ**  
 در افضلیت نماز در سوال نماید حاجت خود را و احوط است که در وقت از نافه مغرب بر این وجه  
 بکند هر چند ظاهر جواز است علی حدیث و اگر ترك شد بعضی گفته اند قضا کند و قبول از ایشان  
**خوبست فصل ششم** در نماز اول ماه مستحبست در روز اول هر ماه دو رکعت نماز  
 دو رکعت اول بعد از حمد قل هو الله احد بخواند سه دفعه و در رکعت دوم بعد از حمد  
 دفعه سوره انا انزلناه و تصدق کند با آنچه سه عمل باشد در حدیث است که هر دو باین بر او  
 عمل سوره ماه را تمام و سنت است بعد از نماز بخواند **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي**  
**الْأَرْضِ إِلَّا عِنْدَ اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعُهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ بِسْمِ اللَّهِ**  
**الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَإِنْ تَسْتَكْفِرْ لَكَ اللَّهُ بَصِيرًا فَلَا تُشْفِقُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِيدْ لِيُخَيِّرْ فَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ**  
**يُصِيبُ بِهَ مِنْ شَاءِ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَيَجْعَلُ اللَّهُ**  
**بَعْدَ عَشْرٍ كِسْفًا مِمَّا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ حَسْبَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ**

بنیت مطلقا و اما روغن  
 بجز این است هنوز ایندن پس  
 آن در چراغ و احوط و اقوی  
 است که در ریاسه شسته شود  
 سر کسیکه ضلالت او را برید با  
 و قطرات بول در غالیوقات  
 از وی آید یا در حق این شخص  
 عفو قائل است یا نه ج با ممکن  
 باید در نماز نظر هر خامروید  
 نماید و عفو در نماز او ثابت  
 نشده سر عفو از خود جرح و  
 فرج یا محض و سر جرح و فرج العیب  
 بانه بلکه عفو نسبت نیست  
 بدیگری بجز عفو محض است  
 بصلح و یا در غیر او عفو نیست  
 سر اگر کسی خود زید در لباس  
 نموده از جرح و فرج است بانه  
 آیا چنین خود معفو است یا نه  
 معفو نیست سر در عفو از خود  
 جرح و فرج آیا معتبر است مشقت  
 از ازاله کردن یا نه و هم چنین امکان  
 نداشته باشد تبدیل شود بانه  
 بلکه عفو ثابت است با امکان  
 تبدیل بجز احوط اعتبار است  
 از ازاله و تبدیل است نسبت بجا  
 بل فرقی بنیت میان امکان علاج  
 آن جرح و فرج بدار و و مرعی  
 و عدم امکان آن خواه بعصیان  
 جرح نموده باشد یا نه من حکم  
 عفو از جرح و فرج یا محض  
 است

با سه در پیش رو و چو پیش از آنکه نماز  
 است حکم حق در صورت عدم جوی  
 داعی حج مادامی که خاق نشود و  
 خون با لکه منقطع نکند و معفو  
 خواهد دانند و نماز باطل است  
 در بعضی اوقات سر حرکت سفید  
 که محل قروح پدید آید یا زائست  
 با طهارت محل یا نوح با طهارت  
 سر اگر رک حره در آن جلوت  
 چه صورت دارد حج اگر آن رک  
 حره معلوم شود که خونست البته  
 نجاست سر آب با طهارت که از  
 محل قروح و قروح نشکند و  
 آید نجاست طاهر اگر آن خون  
 باشد  
 و الا با است سر در هم فعلی چه  
 مقدار است حج احوط در مقدار  
 درهم لکن مقدار ریش که در  
 انگشت برسد معتاد که از آنها  
 گویند یا مقدار حج که حوائز او  
 اگر چه ظاهر متحد با احوط است  
 که گویند که دست باشد سر اگر خون  
 بقدر مقدار هم باشد معفو است  
 یا نه بلکه حکم معفو معصوم است  
 دیگر از آن حج معفو نیست بلکه  
 حکم ثابت است از برای اول درهم سر اگر  
 خون ریزه ریزه باشد یا بشود باشد  
 و در که بر روی بایستن معصوم که اگر جمع  
 شود کمتر از درهم خواهد بود  
 نجاست معفو است در صلوة یا نوح  
 حوائز معفو نیست سر اگر محل از بدن  
 ن و اگر بعد از آن با دست باشد معفو نخواهد بود پس اگر بدن یا لیکن شخص مصی  
 کتر از درهم و شخص شود بان معصومت در صلوة یا نوح

ان الله بصير بالعباد لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين رب انزلنا انزلت اليك  
 من خبير فقيہ رب لا تذرني فراد وانت خير الوارثين و ظاهر است که در تمام روز میتوان  
 کرد این نماز را **عجبت** در لواحق نماز و در آن چند بایست باید اقل در بطلان نماز جایز  
 نیست قطع نمودن نماز در حال اختیار و جان یا ترس برضی و مثل گرفتن غلامی که فرار نماید و کشتن  
 مار که اراده نماز گذار نماید و باطل میشود نماز در بشار شدن حد که باطل میباشد و وضو یا غسل  
 یا تیمم را هر چند فراموش کرده باشد که در نماز است یا در اختیار صادر شده باشد و همین  
 باطل می شود نماز بجز فعلی که محو کند صوت نماز و از این بایست سکوت طویل که محو کند  
 صوت نماز باشد بلکه احوط ترک فعل کثیر است که محو کند صوت نماز را لیکن اگر آن سهوا  
 واقع شود مبطل نیست چنانچه فعل قلیل یا سکوت قلیل مبطل نیست و باطل میشود نیز نماز  
 بخوردن و آشامیدن و اگر فعل کثیر شود و اگر نشود احوط ترک است ولیکن در بطلان آن اشکال  
 و استثناء است اما آنچه از نماز و ترنجوب نیست که در ارشاد ذکر شده او اگر در دهان قدر نباشد  
 یا مثل آن گذارد تا آنکه آب شود و فرود رود باطل نمیشود نماز لیکن بطلان نماز بخوردن و  
 آشامیدن در صورتی که مبطل است در حال عمد است و در حال فراموشی مبطل نیست چه بسا  
 کثرت برسد چه نرسد اما اگر بجهت برسد که محو کند صوت نماز باطل میشود نماز چه در  
 عمد چه در سهو و هم چنین باطل میشود نماز بیکم کردن در حال عمد یا ندانستن مسئله  
 حرف و بیشتر چه همل و چه غیر همل و بیک حرفی که از آن معنی فهمیده شود از کلام قرآن  
 و دعا و ذکر نباشد و اما اگر تکلم نمود بر وجه نسیا باطل نمیشود بان نماز ولیکن واجب است  
 بر آن سجده سهو و حکم این که ناله کردن باشد و قنوه که آه کشید باشد حکم کلام است  
 هر گاه تولد حرف از هر یک بشود و هر گاه آه کشید از ترس خدا باشد و در نیت جایز بود  
 آن و هم چنین باطل میشود نماز بجهت مکدن بطریق فقهی عمد و اگر سهوا باشد یا تبسم  
 بکند باطل نمیشود و اگر تعجب کند از چیزی و در اختیار فقهی صادر شود نماز او باطل است

و هم کتر از درهم و شخص شود بان معصومت در صلوة یا نوح

و هم چنین باطل میشود بگر نه کردن از برکات میت و مورد بیوی مثل تلف شدن مال و اگر از  
 ترس خدا باشد از افضل اعمال در نماز است و هم چنین باطل میکنند نماز را پشت کردن  
 بقبله بعد بلکه التفت نمودن بجمیع بدن از قبله هر چند استند بار بعل بنیاید و در وقت قبله گردانید  
 هر گاه باستند بار برسد و باقی مبطل است گذشت و اگر سلام کند که در نماز واجبست فوراً جواب  
 گفتن چه بالغ باشد سلام کند چه بیتر چه ملنگر باشد چه مؤثراً واجبست شنوید  
 جواباً تحقیقاً یا تقدیراً اگر مانعی از رسانیدن باشد مثل آنکه کر باشد سلام کند یا غوغا  
 باشد که نشود سلام کند جواب هر گاه بجز متعارف جواب بگویند و واجبست که جواب در  
 نماز بمثل آنچه سلام میکنند بوده باشد پس نگوید در جواب سلام علیکم علیکم السلام یا ب  
 دو مرتبه در احکام شکر و سهو و در آن چهار فصل است فصل اول در احکام سهو نماز  
 باطل میشود اگر کسی در نماز یک رکعت یا بیشتر زیاد <sup>۲</sup> حواصلاً باشد یا سهواً چه  
 تشهد نه نشسته باشد یا نشسته باشد و اگر بخاطرش بیاید زیاد کردن یک رکعت  
 پیش از رکوع بنشیند و تشهد بخواند و سلام بگوید و اگر یک رکعت یا بیشتر ترک کند  
 از نماز سهواً واجبست که تمام کند نماز را هر گاه پیش از سجده آوردن چیزی که معنا نماز است  
 باشد و هم چنین است هر گاه بخاطرش بیاید بعد از سجده آوردن چیزی که معنا نماز است  
 لیکن آن چیز از جمله منافیه باشد که کردن آن سهواً مبطل نماز نباشد و اما اگر از جمله  
 باشد که سهواً این مبطل نماز باشد مثل حد نماز باطل است فصل دوم در سجود  
 واجبست دو سجده سهو بر کسی که در نماز تکلم کرده باشد بر وجه سهو یا با کمان بهام  
 رساندن به پر و رفتن از نماز یا ترک کرده باشد یک سجده و یا تشهد اول را یا رکوع  
 رفته باشد یا دو رکوع را بلکه مطلقاً هم چنانکه گذشت یا سلام گفته باشد در غیر موضع  
 سلام از رکوع فراموشی یا شکر کرده باشد در صیحه چهار و پنج در حال نشستن و واجب  
 نیست در غیر اینها ولیکن احسوط است که بجهت هر زیادتی و کمی که مبطل نماز نباشد

۹۳  
 این احتیاط از آنست که در نماز  
 اگر کسی در نماز تکلم کرده باشد  
 یا تشهد اول را یا رکوع رفته باشد  
 یا سلام از رکوع فراموشی یا شکر کرده باشد  
 در صیحه چهار و پنج در حال نشستن و واجب  
 نیست در غیر اینها ولیکن احسوط است که بجهت  
 هر زیادتی و کمی که مبطل نماز نباشد  
 این احتیاط از آنست که در نماز  
 اگر کسی در نماز تکلم کرده باشد  
 یا تشهد اول را یا رکوع رفته باشد  
 یا سلام از رکوع فراموشی یا شکر کرده باشد  
 در صیحه چهار و پنج در حال نشستن و واجب  
 نیست در غیر اینها ولیکن احسوط است که بجهت  
 هر زیادتی و کمی که مبطل نماز نباشد



هرگز داشت نماز بآن میتوان کرد  
 بلندتر اگر محمول ساز صورت باشد  
 مطلقا احوط است و اگر بنا بر  
 بناسد ظاهر است بشرطیکه ملبوس  
 باشد در محل خودش مثل غرق و غیر  
 آنکه در سر باشد و چون که در پا  
 باشد و الا فلا من جماعه مخیر نماز  
 میتوان کرد بلندتر نماز بآن باطل  
 است با عمل جزاء مالا تحمله الحيوان  
 حیوان غیور کول اللهم نماز صحیح است  
 بلندتر در صورتی که جان نیت  
 و در وقت نیت در بطلان نماز در  
 عهد

انحوط بلکه اقوی تشهد تمامی  
 که در نماز خوانده می شود من  
 بعد از آنکه در سجده و در سجده و در سجده

میان ما تحمله الحيوة و مالا تحمله  
 الحيوة خواه آن جزو جزء ملبوس یا  
 مثل ثوبه محمول از حیوان و غیره  
 غیر ما کول اللهم ارقبیله قم یا نه ما یتیم  
 نه الصلوة باشد بلندتر بل در محمول  
 اگر بخواهد باشد که صند کند ایشان  
 صلوة در آن مثل اینکه خوش نند  
 داخل شود در آن عمامه یا در پیش  
 یا بر واقع شود بر دوش یا بر پشت  
 مضر صلوة نیت بلکه در رکعت  
 آن لازم نیت و اینها در جزاء  
 تنها نیت و اما در جزاء است  
 مثل مؤمنان و ندان پس شکال  
 در مجاوز و عدم جلال صلوة نیت

نیت در سجده و در سجده و در سجده

نیت

و از بر خصو ایستادن بجا نشستن و نشستن بجا ایستاد و سجده بجا آوردند و اگر ایستاد  
 سجود سهوا تمام و ماموم هر دو شرطی باشند هر دو سجده واجب آوردند و اگر یک سجده از آنها  
 یا ماموم صادر شد سجده مخصوص است و بر دیگر نیت و محل سجده سهوا بعد از سلام  
 و پیش از کلام او صورت دو سجده سهوا است که نیت کند که دو سجده بیکم از بر آنچه  
 آورده ام از زیادتی و کسوف نماز بر آن نحو که واقع شده اقربه لوالله و احوط است که  
 زیاده نماید قصد و جواز را بر آنچه ذکر شد در مواضع که سجده در آن واجب است پس بعد از  
 آن سجده رود پس سر بردارد مثل سجده نماز و باز سجده رود و سر بردارد و تشهد بخواند  
 تشهد خفیف یا اینکه شهادتین و صلوات بعمل آورد مثل آنکه بگوید یا شهمدان لا اله الا الله  
 و اشهمدان محمد رسول الله اللهم صل علی محمد و آل محمد و تخفیف تشهد احوط  
 بلکه در نیت که معین است پس سلام بگوید بصیغه السلام علیک یا جامع میان  
 این صیغه نماید با السلام علینا و علی عباد الله الصالحین بر تیت کورد نماز یا بکبر  
 و احوط است که بجا آورد در اینجا آنچه را که در سجده نماز بجا می آورد و ترک کند آنچه را  
 که در اینجا ترک میکرد و تفاوت نکند در میان سجده نماز و این سجده مکرر ذکر سجود  
 پس در اینجا بگوید بسم الله و بالله السلام علیک ایها النبی و رحمة الله وبرکاته  
 یا بگوید بسم الله و بالله اللهم صل علی محمد و آل محمد و واجبست فوراً بجا آورد  
 سجده را و اگر تاخیر کند یا ترک نماید نماز او باطل نمیشود و بر تقدیر تاخیر احوط ترک  
 نکردن است هر چند فاصله در میان سلام نماز و آن وقت بسیار باشد و اگر نماز او  
 نماید هر وقت که بخاطرش بیاید بجا آورد و اگر چند سبب از برای سجده سهوا بهم برسد  
 واجبست از برای هر سببی دو سجده کند و اولی ترتیب داشت بملاحظه ترتیب است  
**فصل ششم** در احکام شاکست اگر شخص علم دارد با جزاء نماز از افعال و رکعات  
 اعتبار بر علم است و اگر علم ندارد و مظنه دارد مظنه کفایت میکند چه در افعال چه



در رکعات

در رکعات و اگر مظنه مختلف شود اعتبار بر نظر اخیر است و اگر شک کند چه در نماز  
و احویت تحصیل اعتقاد بیک طرف هر چند بمظنه باشد بنفکر نمودن و اهتمام کردن  
لامکان پس اگر بیک طرف معلوم یا مظنون شود بر آن فرود دهد امر را و اگر شک کند  
که آیا نظر است یا شک در حکم شک است و اگر شک قرابیکر در چیزی اگر در احوال باشد  
یعنی است که در ایوان سابقه گذشت و اگر در رکعات باشد خالی نیست از آنکه باید در  
نماز سنت است یا در نماز واجب اگر در نماز سنت باشد محلی است در میان گذاشتن  
برگتر و بیشتر اگر بهینا گذاشتن بر بیشتر در نماز زیادتی بهم نرسد مثل آنکه شک در  
میان یک و دو نماید میخواند بنا را بر یک گذارد میخواند بنا را بر دو گذارد  
لیکن افضل آنست که بنا را بر یک گذارد و در صورت شک در نماز سنت سجده سهو  
و نماز احتیاط ندارد و اما اگر شک در عدد رکعات نماز واجب واقع شود پس هر شک  
که در عدد نماز دو رکعتی مثل نماز صبح و ظهر و سفر و کسوف و عیدین واقع  
شود مبطل نماز است و هم چنین است حکم اگر شک در عدد نماز سه رکعتی باشد  
یا شک در میان رکعت اول از چهار رکعتی یا بقیه رکعات واقع شود یا آنکه نداند که  
چند رکعت نماز کرده است یا شک کند در میانش و زیاده بر آن الا غیر النهایه و اگر  
شک کند در رکعتی که در آن میباشد آیا آن رکعت آخر ظهر است یا اول عصر یا شک  
کند که سیم مغرب است یا اول عشاء بنا گذارد بر آنکه از ظهر است در اول و از مغرب  
در دوم و فرقی نیست در حکم مذکور میان آنکه شک در نماز حضور یا نماز سفر و اما  
شک در میاد و غیره و از سه و چهار اگر در حال قیام یا رکوع یا بعد از رکوع پیش  
از سجود یا در افتاء سجده اول یا میان دو سجده یا پیش از ذکر واجب از سجده دوم  
باشد نماز باطل است و هم چنین اگر پیش از سر برداشتن و بعد از ذکر واجب باشد و اگر  
شک در حال برداشتن سر از سجده دوم یا بعد از آن باشد بتفصیل ذکر میشود و اگر

بشرطیکه آن اجزاء از خود مجزئ  
بوده باشد و اما اگر از غیر باشد  
محل اشکالست و احوط رعایت  
اجتنابست اگر چه عدم آن خالی از  
قوة نیست و اما در صورت غیر عمد  
بشرط مطلقا مضر نیست خواه ارادت  
باشد یا غیر آن و خواه پیش از نماز  
باشد و بعد از نماز یا در اثنا آن  
عالم شود طبعه بلکه پیش از آن عالم  
بوده و نسبتا مؤدود است اما در  
بعد از نماز ملفت شده در بعضی  
صورت نماز صحیح است بلی لازم است  
از الله آن از لیس و بعد اگر در نشاء  
صلوة متذکر یا عالم شود و الله اعلم  
سحیوان غیر ما قول اللهم قبول الله  
میکند یعنی حکم شود بطهاره  
جلدش مثل حال حیوة باید رج بنا  
بر مشهور قبول تذکیر نماید  
بشرطیکه بخیر العین بنا شود و  
بشرط ظاهر است بعد از تذکیر علی  
مستحبات بر همین عنوان از این  
بوست بعد از تذکیر و پیش از آن  
نماز باطل است و اگر در حال  
نماز باشد و در حال قیام یا رکوع  
یا بعد از رکوع یا در حال  
سجده اول یا میان دو سجده  
یا بعد از ذکر واجب از سجده دوم  
باشد نماز باطل است و هم چنین  
اگر پیش از سر برداشتن و بعد  
از ذکر واجب باشد و اگر  
شک در حال برداشتن سر از سجده  
دوم یا بعد از آن باشد بتفصیل  
ذکر میشود و اگر

بشرطیکه آن اجزاء از خود مجزئ  
بوده باشد و اما اگر از غیر باشد  
محل اشکالست و احوط رعایت  
اجتنابست اگر چه عدم آن خالی از  
قوة نیست و اما در صورت غیر عمد  
بشرط مطلقا مضر نیست خواه ارادت  
باشد یا غیر آن و خواه پیش از نماز  
باشد و بعد از نماز یا در اثنا آن  
عالم شود طبعه بلکه پیش از آن عالم  
بوده و نسبتا مؤدود است اما در  
بعد از نماز ملفت شده در بعضی  
صورت نماز صحیح است بلی لازم است  
از الله آن از لیس و بعد اگر در نشاء  
صلوة متذکر یا عالم شود و الله اعلم  
سحیوان غیر ما قول اللهم قبول الله  
میکند یعنی حکم شود بطهاره  
جلدش مثل حال حیوة باید رج بنا  
بر مشهور قبول تذکیر نماید  
بشرطیکه بخیر العین بنا شود و  
بشرط ظاهر است بعد از تذکیر علی  
مستحبات بر همین عنوان از این  
بوست بعد از تذکیر و پیش از آن  
نماز باطل است و اگر در حال  
نماز باشد و در حال قیام یا رکوع  
یا بعد از رکوع یا در حال  
سجده اول یا میان دو سجده  
یا بعد از ذکر واجب از سجده دوم  
باشد نماز باطل است و هم چنین  
اگر پیش از سر برداشتن و بعد  
از ذکر واجب باشد و اگر  
شک در حال برداشتن سر از سجده  
دوم یا بعد از آن باشد بتفصیل  
ذکر میشود و اگر

نیت چه قیامی شده باشد  
 و این نیت مجرب است  
 با آنکه نیت می شود بدیاعت و این کردن  
 سه جلوه که در بار اول و دوم  
 دست ایشان یافت می شود می نماید  
 مذکور شده و این چه حکم دارد  
 با آنکه اگر چه علم بتذکیه حاصل  
 نباشد و عمل اجزاء که مشکوک  
 باشد در بودن آن از حیث اول  
 اللهم یا غیر آن در حال صلوة جایز  
 باشد بلکه نماز بان فاسد است  
 با قوتی دارد دستش معلوم  
 نیست که غایب است یا نه  
 جواز عمل معلوم نیست و دور  
 که صحیح نماز بان اگر چه احتیاط  
 سرگشته شدن در لایطعام و میا  
 خوردن نمودن چه صورتی دارد  
 ما ذی که بخوش نیامده باشد  
 و اگر بخوش آید احتیاط

من حاجه صورت دارد  
 کتبه است در حکم مذکور  
 زود که هنوز نیت شده باشد  
 اجتناب ندارد مطلقا  
 بیاید خودی یا عیسی باشد  
 و اگر داخل نیت شده  
 سهواً از سر این نیز بگذرد  
 و اگر در این صورت  
 و اگر در این صورت

شك در زیاد و پنج و بیشتر باشد نماز باطل است و احتیاط اتمام و اعاده است و همین  
 مبطل نماز است شك در زیاد و سه و پنج ناید و شش یا سه و شش و نحو آنها از آنچه مرد  
 میان ناید بر پنج و کمتر از آن شود و شك در نماز چهار رکعتی نیز مبطل است مگر در  
 صورت اول شك می آید و سه بعد از برداشتن سر از سجده دوم در این صورت بنا بر  
 سه میگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز بیاید رکعت نماز احتیاط ایستاده یا در رکعت  
 نشسته بجا آورد و احتیاط کردن یک رکعت ایستاده و احتیاط از آن اعاده نماز است نیز بعد  
 کردن نماز احتیاط در هر شك سیاسه و چهار در هر حال که باشد در این صورت  
 بنا بر چهار گذارد و نماز را تمام کند و یک رکعت ایستاده یا در رکعت نشسته بجا آورد  
 و احتیاط در این جا بجا آوردن دو رکعت نشسته است استیسا شك می آید و چهار بعد  
 سر برداشتن از سجده اخیره در این صورت نیز بنا بر چهار گذارد و بعد از تمام کردن دو  
 رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد چهار شك می آید و سه بعد از سر برداشتن چهار  
 از سجده دوم در این صورت نیز بنا بر چهار گذارد و نماز را تمام کند و بعد از آن دو  
 رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد و دو رکعت نشسته بدو سلام و احتیاط بلکه اظهار  
 داشتن دو رکعت ایستاده است بر دو رکعت نشسته پنجم شك می آید چهار پنج اگر  
 بعد از سر برداشتن از سجده دوم نباشد بنا بر چهار گذارد و تشهد بخواند و سلام  
 بگوید و بعد از سلام دو سجده سهو بجا آورد و اگر در حال قیام باشد قیام را  
 بر هم زند و بنشیند و بنا بر چهار گذارد و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا در  
 رکعت نشسته بعد از تمام کردن نماز بجا آورد و دو سجده سهو از سر قیام احتیاط  
 بجا آورد و فرق نیت می آید که شك در حال قیام باشد یا پیش از استقرار قیام ناید  
 اثناء قرائت باشد یا پیش از شروع در قرائت یا بعد از تمام آن و پیش از شروع و در  
 جمیع صورت در این صورت احتیاط است که بعد از نماز احتیاط نماز را اعاده کند و اگر

شك  
 ایستاده



فعل منافی تمام نماید و احوط اعلا ۲۰۲۸  
 آنست ایضا و چه آنکه در سعه  
 وقت است و از آنکه نجاست باطل  
 توب بخود مذکور نمیشد در این  
 صورت نماز باطل است و قطعی  
 لازم میسر آنکه وقت مضیق است  
 و از آنکه باطل بخود مذکور نمیشد  
 در صورتی که نماز صحیح باطل  
 باطل بدو فعل منافی لازم است  
 چهارم آنکه وقت مضیق است  
 و از آنکه باطل نیز غیر ممکن در این  
 صورت بین نماز صحیح و تمام  
 کند چیزی بر او نیست پس  
 صورت صحیح و یک صورت  
 باطل است و این چهار صورت در  
 وقت است که در وقت نماز تمام  
 شود بیجا است و اما اگر علم فرود  
 بعد از نماز حاصل شود پس در جمیع  
 موارد بیجا است

بسیج

هرگاه امام یا مأموم یقین داشته باشد بر چیزی و کمان داشته باشد بر چنین دیگری و کمان او  
 شود بکمان بهم رساندن بر آنچه یقین دارد دیگری و اگر هر یک یقین بر چیزی داشته باشد یا  
 کمان بر چیزی رجوع با اعتقاد خود بکند و اگر هر دو شک نمایند پس اگر شک هر دو معتقد باشند لازم  
 هر دو را عمل نمودن بمقتضای آنست که اگر گذشت و اگر شک ایشان مختلف باشد و ممکن باشد  
 رجوع هر یک بضبط دیگری رجوع کند باو مثل آنکه یکی شک کند در زیاد و وسه و دیگری  
 در میاسته و چهار بنا را بر سه گذارند بجهت آنکه اول مطمئن است که از سه بیشتر نیست  
 و دویم مطمئن است که از سه کمتر نیست پس معین شد سه و اگر شک مختلف باشد رجوع  
 هیچیک بدیگری ممکن نباشد مثل آنکه یکی شک در زیاد و وسه و دیگری در میاسته و پنج نماید  
 پس اول اطمینان دارد که از سه بیشتر نیست و دویم اطمینان دارد که از چهار کمتر نیست مالم  
 قصد انفراد نماید و هر یک عمل نماید بمقتضای شک خود و اگر همه مأمومین متفق نباشند  
 در میان ایشان نیز اختلاف باشد اگر از بر بعضی بقول بعضی دیگر مظنه حاصل شود عمل کنند  
 خود و اگر مظنه حاصل شود قول بعضی مأمومین از بر بعضی دیگر حجت نیست هر چند بسیار  
 و هم چنین از بر امام فضل چهار مرد در احکام نماز احتیاط و آن واجبست و کیفیت آن چنانست  
 که نیت کند دو رکعت نماز میکنم بجهت احتیاط از آنچه احتمال دارد که کم شده باشد از نماز  
 الله و شرط نیست در نیت مذکور تلفظ کردن مثل غیر آن از نیتها و همچنین شرط نیست  
 قصد وجوب و لکن احوط عدم ترکست پس بعد از نیت تکبیر الاحرام بگوید مثل تکبیر نماز پس  
 قرأت سوره حمد بکند بدو سوره و اخفا نماید در آن رکوع و سجود بکند و بر چنین دو رکعت  
 رکعت دیگر بخود مذکور بکند و تشهد بخواند و سلام بگوید و اگر دو رکعت نشسته باشد  
 بخوئست که ذکر شد مگر آنکه در این حال نشسته نماز را بجا آورد مثل نماز نافله نشسته  
 و اگر یک رکعت ایستاده باشد تشهد و سلام را متصل بان نماید و کیفیت یک رکعت بنویست  
 که در دو رکعت ایستاده ذکر شد و در نماز احتیاط اذان واقعه و قنوت نیت معتبر است

حجت در نیت علی الاحوط است  
 که چهار رکعت باشد مثل تکبیر از نیت احتیاط  
 باو عمل در سجده بکند و تشهد بخواند و سلام بگوید  
 اینها با آنکه یک رکعت بنویستند یا  
 بیشتر از آنکه بنویستند

در آن احکام نماز از شرایط و موانع و واجبیت بجا آوردن آن را بعد از نماز و پیش از وقوع  
 شدن نماز و اگر ترک نماید نماز احتیاط را و نماز فریضه را که شلوه آن نموده اعاده کند  
 کفایت نموده شود و اگر بفهمد پیش از نماز احتیاط نبودن بان را نکند نماز احتیاط را و  
 او صحیح است و هم چنین اگر بعد از فراغ بفهمد چنانچه نبودن بان را و اگر فهمید کم بود آن نماز را  
 پیش از نماز احتیاط تا تمامی تمام کند اگر مبطلی که عمداً و سهواً مبطل باشد بعمل نیآورده  
 باشد هر چند متعمداً بعمل آورده باشد و اگر چیزی که مبطل باشد عمداً و سهواً بجای  
 آورد نماز باطل است و اگر بفهمد بعد از کردن نماز احتیاط کم بودن فریضه را نماز او  
 صحیح است چه نماز احتیاط موافق باشد یا آنچه ترک نموده آدر فریضه یا مختلف باشد در  
 عدد و ترک قیام و اگر بفهمد کم بودن نماز را بعد از اتمام کردن نماز احتیاط ولیکن اصل  
 احتیاط موافق اتفاق نیفتاده باشد مثل آنکه دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته کرد  
 فهمید که یک رکعت کم بوده احوط اعاده هر چند قول بجهت بی وجه نیست و احوطاً  
 است در جمیع صور تا علم بکم بودن بعد از نماز احتیاط یابد بین آن و اگر عمل با احتیاط  
 نمود و شکی که آیا موافق بود یا مخالف نماز او صحیح است <sup>باب بیستم</sup> در نماز قضا  
 واجبیت قضا بر کسی که مرتد شود و در حال ارتداد وقت بگذرد و بیشتر بر او بگذرد  
 یا کسی که ترک نماید نماز واجب را با جمیع بودن شرایط آن یا اخلال بان نماید بجهت خواب  
 یا فراموشی یا بیافتن آبی خاک از جهت طهارت یا مست شدن بچیزی که از جانب خود  
 چه دانسته باشد که آن مسکرات چه ندانسته باشد مگر نماز جمعه و عید رمضان و قربان  
 چنانچه گذشت و اما آنچه از نماز واقع شده باشد در ایام مخالفت از حقوق است که از اهل  
 قبله باشند هر چند محکوم بکفر باشند مثل غلبی یا نباشند مثل سینه و آنچه فوت شده باشد  
 از نماز در حال طفولیه یا دیوانگی یا بیوشی یا کفر اصیل یا حیض یا نفاس اگر این امور در تمام  
 وقت باشد واجبیت قضا و اگر در تمام وقت نباشد بلکه در ایام مقدرات نماز را در وقت آن

۱۹! حادث شده در صورتی که  
 چهار صورتی در مورد  
 جاریست پس با وسعت وقت  
 عدم امکان ازاله و ضلع باطل  
 قطع نماز لازم و با امکان ازاله و ضلع  
 بجز نماز صحیح از الما خلع لازم  
 است و در صورتی که با امکان  
 ازاله نماز صحیح ازاله یا ضلع  
 نماید و با عدم امکان نیز صحیح  
 با همان نجاست باید تمام نماز نماید  
 و اما اگر بعد از فراغ خود بپوشد  
 و احتمال بدهد که پیش از نماز  
 چنانچه محتمل است که در اشک نماز  
 یا بعد از فراغ آن طاف شده یا  
 پس نماز با اشکال صحیح بلکه در  
 حکم مثل صورتی علم بجد و نجاست  
 بعد از فراغ است بدانکه در  
 صورت خلع ثوب نجس و ریش  
 وقت اگر سار عورت دید که  
 خلع نجس باقی باشد در بدن  
 و نهان اگر مکشوفت العورة  
 نماید و مکن نباشد از این  
 تحصیل سائر دیگر پس این از  
 ناظر محترم لازم است که نماز را  
 ایستاده بجا آورد و رکوع سجود  
 بایمان بعمل آورد و در سجود اندک  
 اغرض نماید در ایام سب و احوط  
 این است که وضع بدن بر عورت  
 نیز نماید و احوط اینست که در  
 دیگر کند یکبار اتمیل شغص بخلا

و مستورا نعوته نماز شرا تمام ک  
 پس رکوع و سجود و ستمند و قنای  
 مثل مختار بعل اول و دیگر بیکر است  
 که یک نماز دیگر نشسته مجاب آورد  
 و رکوع و سجود را بطریق ایما  
 بسر مجابا و رسود در سجود اندک  
 در ایما اخفض باشد از رکوع مشروط  
 باشد که بعد از نماز اول وقت نشسته  
 باشد بقدر ایستادگی دو نماز  
 و الا اگر قنای نماز اول نماید  
 و هم چنین شرط است که از اول  
 علم داشته باشد بقیق وقت  
 و عدم تکل از سایر ظاهر یا  
 نظر هر و اما اگر ظاهر شود که وقت  
 افتد و وسعت دارد که بتواند  
 تطهر و بپوشد نماز با حوط اینست  
 که نظهر نموده نماز را اتمام کند  
 و اما با عدم آن از ناظر محض لازم  
 است که نشسته نماز را تمام کند  
 و رکوع و سجود با هم در بنسب  
 نماز با ایما و اشارت و اگر کسی اخفض  
 باشد بلکه احوط در این صورت  
 وضع نماید علی التبعی است  
 بر چه س اگر مأموم غایب شود  
 بر نجاست لباس تمام در حال صلوات  
 آیا و هیئت اعلام مایند و حد  
 ای حال نماز مأموم چه صورت  
 دارد جماع اعلام واجبیت

چه در اول چه در آخر واجبست قنای و اگر مقدار یک رکعت از آخر وقت را در یابد  
 بدو عدد از این اعذار واجبست نماز و اداء خواهد بود و اگر ترک نمود قنای از واجبست  
 و واجبست در قنای ترتیب پنجگانه فوت شده آدر قنای نمازهای یومیه اگر بدانند ترتیب  
 و اگر ندانند واجبیت ترتیب ولیکن احوطست و واجبیت پیش می آوردن نماز قنای  
 بر اداء بلکه میتوان اداء را پیش برد و بر قنای ولیکن احوط پیش داشتن قنای و تاخیر نمودن  
 اداء تا با آخر وقت باین که مقدار اداء نماز حاضر از وقت نباشد خصوصاً هرگاه آنچه در وقت او  
 یک نماز باشد خصوصاً هرگاه نماز روز باشد که در او است بلکه مطلق نماز آن روز  
 چه یک باشد چه بیشتر و معتبر در تمام و قصر حال است پس اگر نماز قصر فوت  
 باید قنای نمود بقصر هر چند در حضر باشد و اگر در حضر فوت شود قنای کند تمام  
 هر چند در سفر مباح یا راجح باشد و اگر کسی در اول وقت مسافر باشد و در آخر  
 وقت حاضر یا در اول حاضر باشد و در آخر وقت مسافر باشد اعتبار بحال فوت نماز است  
 پس اگر در آخر وقت مسافر باشد قنای کند قصر و اگر حاضر باشد قنای کند تمام  
 و اگر کسی را فوت شود در حضر یک نماز از پنج نماز و نداند کدامست قنای کند یک  
 نماز صحیح و یک نماز مغرب و یک چهار رکعتی که قصد کند بآن که چهار رکعت نماز میکنم  
 قنای آنچه در زنده هست و تره الم الله و بخیر است در چهار رکعت در چهار رکعت  
 و اگر در سفر باشد اکتفا نماید بیک نماز مغرب و یک نماز دو رکعتی بقصد آنچه  
 در زنده او هست لیکن احوط در این حال است که چهار نماز دو رکعتی نماید یا یک  
 رکعتی ناب چهار نماز جماعت بدانکه ست است جماعت در جمیع نمازها و صحیح  
 یومیه و غیر یومیه و مؤکداست در یومیه و واجبیت هیچ نماز بی اجتماع کردن  
 مگر نماز جمع و عید رمضان و قربان را با اجتماع شرایط و مگر یک که حمد و سوره  
 او درست نباشد و مقصر یا در وقت نمودن آن پس اگر ممکن او را درست نمود حمد







نکرده باشد و ناقص گذار بنا فله کذا مثل اقتداء در نماز عیدین یا جمع نبودن شرط  
 و در نماز استسقاء و واجبیت متابعت کردن مأموم از امام در افعال بانیکه پیش از  
 امام هیچ فعلی را انجام نیاورد بلکه احوط مؤخر بودن مأموم در افعال از امام و قادر  
 اقوال پس تکبیرة الاحرام را باید بعد از امام بگوید و در غیر آن واجبیت بسیار  
 مشهور ولیکن احوط متابعت و اگر امام بعد از تکبیرة الاحرام تکبیرة الاحرام دیگر  
 بگوید و مأموم تکبیرة الاحرام اول داخل نماز شده باشد عدول نماید بفراد و اگر مأموم  
 سر بردارد از رکوع یا سجود یا برود بر رکوع یا سجود پیش از امام سهوا یا خطا بر کرد  
 امام با امام مطلق شود اگر نرسد با و اگر عجز اطلاق امام در سجود بر او چیز نیست و نماز او  
 صحیح است و اگر بر نکرده دعوی احوط اعاده نماز است و در رکعت جماعت و فضیلت آن میکنند  
 کسی که امام را پیش از رکوع در رکعت کند پس تکبیرة الاحرام بگوید و آن رکعت نماز  
 خود محسوب کنند و هم چنین اگر رکوع امام را در باید جماعت و فضیلت آن را دریافته  
 بلکه اگر در رکعت نماید امام را در رکوع بعد از آنکه ذکر را گفته است ادراک نموده نماز جماعت  
 و در جمیع صورت و تکبیر بگوید اول را واجب بقصد تکبیرة الاحرام و دوم راست بقصد  
 رکوع و اگر نرسد که بر رکوع نرسد تکبیرة الاحرام بگوید و تکبیر رکوع را ترک کند  
 و اگر امام را بباید در رکوع و بر نرسد که اگر بصفیر رسد امام سر از رکوع بردارد  
 در آن مکانی که هست تکبیرة الاحرام بگوید و بر رکوع رود و مطلق شود بصفیر  
 حال رکوع یا بعد از رکوع و هیئت آنست که کام بر ندارد بلکه پای خود را بکشد هر چند  
 لازم نیست و جایز است در حال حرکت مشغول ذکر باشد لیکن احوط آنست که حرکت  
 نکند در حال ذکر و اگر مأموم در اول نماز حاضر نبود و بعد از داخل شدن امام در نماز  
 حاضر شد پس در هر رکعت که مطلق با امام شده است آن را اول نماز قرار دهد و تمام  
 کند باقی را بعد از آنکه امام سلام بگوید و واجبیت قرآنست کند مأموم در دو رکعت

۹۰۳  
 اگر کسی پیش از آنکه امام سلام بگوید سر بردارد از رکوع یا سجود یا برود بر رکوع یا سجود پیش از امام سهوا یا خطا بر کرد  
 امام با امام مطلق شود اگر نرسد با و اگر عجز اطلاق امام در سجود بر او چیز نیست و نماز او صحیح است  
 و اگر بر نکرده دعوی احوط اعاده نماز است و در رکعت جماعت و فضیلت آن میکنند کسی که امام را پیش از رکوع در رکعت کند  
 پس تکبیرة الاحرام بگوید و آن رکعت نماز خود محسوب کنند و هم چنین اگر رکوع امام را در باید جماعت و فضیلت آن را دریافته  
 بلکه اگر در رکعت نماید امام را در رکوع بعد از آنکه ذکر را گفته است ادراک نموده نماز جماعت و در جمیع صورت و تکبیر بگوید  
 اول را واجب بقصد تکبیرة الاحرام و دوم راست بقصد رکوع و اگر نرسد که بر رکوع نرسد تکبیرة الاحرام بگوید و تکبیر رکوع را ترک کند  
 و اگر امام را بباید در رکوع و بر نرسد که اگر بصفیر رسد امام سر از رکوع بردارد در آن مکانی که هست تکبیرة الاحرام بگوید  
 و بر رکوع رود و مطلق شود بصفیر حال رکوع یا بعد از رکوع و هیئت آنست که کام بر ندارد بلکه پای خود را بکشد هر چند لازم نیست  
 و جایز است در حال حرکت مشغول ذکر باشد لیکن احوط آنست که حرکت نکند در حال ذکر و اگر مأموم در اول نماز حاضر نبود  
 و بعد از داخل شدن امام در نماز حاضر شد پس در هر رکعت که مطلق با امام شده است آن را اول نماز قرار دهد و تمام کند باقی را  
 بعد از آنکه امام سلام بگوید و واجبیت قرآنست کند مأموم در دو رکعت



بنیت و باعث قصر نمیشود هر چند بسیار طول بکشد و در برکشتن قصر کند اگر نشاء  
 بقدر هشت فرسخ یا بیشتر باشد و هم چنین هر گاه بعد از آنکه در قصد قصر رفت هشت  
 فرسخ کند باید قصر کند و اگر بعد از آنچه در قصد رفت اراده کمتر از هشت فرسخ داشته  
 باشد خلافت که آیا محسوب میشود بر مقدار برکشتن هر چند مقدار برکشتن بقدر  
 بقدر مسافت نباشد یا محسوب و احتیاط خوبست بجمع کردن مینا قصر و اتمام در جمیع  
 حال برکشتن هر گاه بقدر رمتا باشد و فرقی نسبت در اعتبار قصد مذکور میان آنکه بالا  
 باشد یا با التبع مثل غلام و کیز و زن و مانند ایشان هر چند بر آن راضی نباشند بلکه  
 مجبور باشند ستمرانکه قصد مسافر است بر باره تا بمسافتی شدن مسافر اگر اراده  
 برکشتن نماید پیش از رسیدن با آنچه کفایت کند در حصو مسافر یا متره دشود در رفتن  
 باید نماز را تمام کند و اگر بیرون رود بقصد مسافر بعد از آن از برای او اتفاق بیفتد  
 انتظار در رفتار راه و رفتن او موقوف بر رفتن ایشان شود هر گاه بقدر چهار فرسخ و بیشتر  
 رفته باشد قصر کند مگر آنکه اراده ماندن ده روز و بیشتر در آنجا نماید یا متره  
 نماید تا بیرون رود و اگر بقدر چهار فرسخ و کمتر باشد تمام کند چنانکه جمیع نکند  
 با قصد مسافر بر ماندن ده روز را در آنجا مسافر و نه غرض شود او را از اراده در  
 بین راه که اگر هر یک دهد باید تمام کند نماز او در حکم اراده ماندن است در بین  
 مسافر بوطن خود رسید و وارد بوطن چنین است که در عرف بگویند و طریقی است هر چند  
 در آن ملک نداشت باشد و مالک خانه و منزل در آن نباشد و کفایت میکند در قصد  
 وطن بودن بلد محل بطن پدر او بود و قصد مسافر از آن نه نمودن هر چند بخاطر او  
 نرسیده باشد پس در رفتن از آن یا ماندن در آن و اما حجره ماندن در بلد بدون قصد  
 استمرار یا بجهت تحصیل علم یا تجارت هر چند سالها طول بکشد باعث تمام نمودن  
 نماز در آن نمیشود هر گاه وارد شود در آن بلد و قصد اقامه و ماندن از آنجا تمام نمودن

اجتناب از جمیع است مگر آن  
 که قطعاً با آن و ظاهر است  
 است بعد از استعمال آن در  
 زلفن گرفتن و سر تراشیدن اینک  
 محل را با آب مسح نماید پس طریقی  
 معرفت کافر چیست حج طریقی  
 است که انکار الهیت یا رسالت  
 یا نبوت و در آن روز قیامت دین نماید  
 پس کافر عبارت از کسیکه متذکر  
 بدین غیر اسلام باشد یا آنکه  
 متذکر بدین اسلام باشد لیکن  
 منکر باشد چیزی از ضروریات  
 دین مثل صلوة و صوم و امان  
 اینها را بشرط عدم امکان شهادت  
 احوط جمیع است  
 یا صادر شود از قول یا فعل  
 که اقتضا کند کفر شرعاً خواه خود  
 باشد یا از وی و فرقی نیست در  
 نجاست کافر میان مرتد و کافر  
 اصلی حریجه و ذمی و عمار حج  
 عالی و ناصبه و غیر ایشان  
 از سایر فرق کفار سر طریقت  
 و الیه کفار ظاهر است یا نه  
 حج مادامی که علم بنجاست و شهادت  
 ایشان بر طوبیت و ماندن آن حج  
 نرسد ظاهر است و مطلقاً



نیز خلی از ریحانیت و لحوط جمع امیا قصر و تمام هفتم آنکه دور شود از دیوار شهر یا  
 قریب تا آنکه پیدا نباشد دیوار یا فستودان شهر یا قریب را و معتبر در صد مؤذن و چشم  
 نظر کنند و گوش شنوند و ببلد متوسطا چنانچه معتبر است در هوا خالی بود از شدت  
 باد و غوغاء و هر گاه ببینند یا دیوار یا مؤذن یا شنونده نباشد بنا بر این تقدیر و فرض گذارند  
 که بر فرض بودن حاجه نحو بود وجه نحو نبود و فرق نیست در این شرط در صیارتان و بر کشتن  
 هر چند لحوط درها بر کشتن جمع امیا قصر و تمام است یا تاخیر کند نماز را تا وارد شود بمنزل  
 وقت نیست در شرط مذکور میا بلد توطن و ببلد قاصد و هر گاه سفر سفر معصیت باشد یا  
 عقیدت دور رفتن باشد یا بد و قصد حرکت نموده باشد مقبر موضع بر کشتن است و ترا  
 قصر بعد از تحقق شرایط گذشته و معتبر است بر عام بان شرایط مکرر در چهار موضع که مکه و  
 مدینه و مسجد کوفه و سایر سید الشهداء علیه السلام که در آنها تخیر است امیا قصر و تمام و در  
 افضل و اول لحوط است و اگر تمام نماید نماز در محل قصر با علم بانکه واجب است قصر است  
 نماز و واجب است اعاده نماید اگر وقت باقی است و قضاء اگر وقت گذشته است و اگر جاهل  
 بواجب بودن قصر تمام کرد اعاده و قضاء ندارد چه در تقصیر کرده باشد در فهمیدن مسئله چه  
 نکرده باشد و این در وقت است که جاهل باصل حکم قصر و تمام باشد و هر گاه جاهل باصل  
 حکم باشد و جاهل بحال آن نباشد یا سایر احکام قصر یا جاهل باشد بواجب بودن تمام  
 کردن و قصر کند در محلی که تمام نباید بکند نماز آن باطل است و اگر فراموش کرده باشد  
 بودن قصر را و تمام کند اعاده کند در وقت اگر بخاطرش بیاید و قضاء ندارد و اگر وقت  
 بیرون رفته باشد و اگر قصد نموده روز در موضعی نماید باید تمام کند چه در صحرای چه  
 در معوره چه در بیلد و چه در ده و لیکن اگر بر کشتن قصد او از ماندن قصر کند مادامیکه  
 یک نماز چهار رکعتی و تمام نکرده باشد و اگر یک نماز را تمام کرده باشد تمام کند تا در مجا  
 هست و شرط نیست در اقامه بر سر زوفتن از حد ترخص و غلبه نیست از معینا قاصد بنا

احوط من اعلم در اولیت  
 ط

واقع نشود و مزوج هم نشود  
 آب وضو آب باران جدید است  
 واقع شود فاسد است در شنیدن  
 وجه و بدین ابتدا از اعلا فالاعلا  
 لازم است یا اینکه همان شروع  
 از اعلا کافیت و از اعلا  
 جز در تقدیم و شروع با اعلا  
 اعلا جزو حقیقه یا غیر بلکه زیاده  
 و تقصیر میسر و غیر نیست و کفایت  
 میکند حد عرفی بر شروع از  
 اعلا جز از اعضا و اگر چه حقیقی  
 نباشد حج لازم است شنیدن  
 از اعلا فالاعلا در محاذات  
 موضع اعلا نسبت با فاعل و اما  
 موضع غالبه نسبت بموضع مسافر  
 محاذات آن واقع نیست و طایفه  
 فریضه لازم نیست بلکه غالباً  
 بعکس میسر میشود بلکه تقدیم  
 الاعلا فالاعلا در این صورت  
 کمال صحت و اشکال ندارد و اما  
 مراد از اعلا جزو اعلا جز حقیقی  
 است و لکن زیاده بهر باشد  
 و شروع بدان عنوان جهت تحصیل  
 علم بشروع از اعلا لازم است  
 بل باید نقصان میسر و در آنست

احوط من اعلم در اولیت  
 ط

آن چیزیکه موضع جرح و قروح  
 میبندند در وقت غسل با وضو  
 لازم است از لکن یا نه ج لازم  
 نیست از لکن و تفکیک آن با وضو  
 التماس بلکه هم از او را بشود  
 کافیت است اگر در بعضی از  
 اوقات خلقت نبوده وضو یا  
 غسل بعمل آورده بعد از آن التماس  
 نمودید که در موضع زخم بید  
 عضو از اعضا چرک یا بویست  
 و بخوان خلیل واقع بر بشره است  
 ند که این در هنگام غسل با وضو  
 نیز بوده یا بعد از آن  
 در وقت غسل با وضو  
 و بر تقدیر  
 بودن آن در وقت غسل میباشد  
 که مانع از آب بر بشره بود یا نه  
 در چنین صورت وضو یا غسل  
 صحیح است یا نه ج بل صحیح است یا  
 مظنه بناحق حدیث در وضو  
 مشتمل وجه و بدین آیا یا بشره  
 و لوجود مرتبه مستحبی است  
 مرتبه بد و حرمت تلذذ و  
 هر مشتمل جایز است بدین  
 باز یاد آن یکتر بریزد از حجه  
 این مرتبه شستن و ایضا آبان

بملاحظه و لایت از باغ و مزارع و امثال آنها بلکه ظاهر است که هرگاه پیش از روز از محل اقامت  
 بکثر از دست ضرر و یا قاصد نمیرسانند و نماز را در هر یک از اوقات و برگشتن و محل اقامت تمام  
 کند اگر آمده اقامت در روز محل اقامت بعد از برگشتن داشته باشد بلکه اگر غافل باشد  
 از حال سفر از محل اقامت مترقیه باشد در سفر نمودن و مانند بلکه هر چند آمده باشد  
 در روز نداشتن باشد لیکن در غیر صورت اراده اقامت در روز داشتن بعد از برگشتن احوط  
 علاوه نمودن قصاصت بعد از اتمام چنانچه احوط این است که پیش از تمام شدن اقامت  
 عمل نکند و اگر کسی در نظر داشته باشد که در راه و مزارع چند مدت بماند مثل  
 ماه و پنجاه و امثال آن در هیچ یک از آن در روز نداشتن باشد در مابین مجموع آنها  
 بقدر هشت فرسخ نباشد باید تمام نماید و احوط علاوه نمودن قصاصت بر آن مقصد  
 در زکوة مال و بید و خمس و در آن سه بیست و هفت اقل در زکوة مال و در آن چند  
 بابت بل باقل در شرایط زکوة و آنچه زکوة بان تعلق میکرد و در آن دو فصل است فصل  
 اول شرط است در وجود مال مالک بودن نضا و بلوغ و عقل و آزاد و ممکن بودن  
 از تصرف در آن پس چنانچه شود در مال که مشترک در میان دو نفر یا بیشتر باشد و سهم هر یک  
 کمتر از نضا باشد و اگر شک کند در بودن آن بمقدار نضا اظهر و احوط وجوب محصل  
 و هم چنین واجب نیست بر مجنون و نر بر طفل حتی بر ولی او یا نر بر نیکو در غلای  
 و کار و کوفتند و شتر طفل و مجنون بلکه در مال التجاره طفل هرگاه ولی او تجارت  
 نماید ضعیف است لیکن در مال التجاره است چنانچه در غلات طفل نیست است و اگر شک  
 کند در بلوغ یا عقل یا عدم نبوت عقل پیش از آن حکم میشود بعدم آن و هم چنین واجب نیست  
 بر بنده هر چند قابل شویم بمالک شدن آن مطلقا و هرگاه آزاد شد چنانچه از آن واجب است  
 بر آن در آنچه در آن سهم تحصیل نموده باشد و هم چنین واجب نیست در آنچه مالک متمکن  
 از تصرف نمودن در آن نباشد در تمام سال در آنچه گذشتن سال در آن معتبر باید وقت

تعلق





بخوردن چنین که <sup>باشد</sup> مملو و آنچه ملک مالک یا غیر مالک چه باذن هر یک باشد یا نه  
 غیر مالک عوض بخواند یا نه لیکن این در غیر اولاد آنهاست اما در اولاد اعتبار با پدر  
 آنهاست پس اگر مادر آنها معلوفه باشند حال آنها حال مادران آنهاست و اگر آنها  
 باشند هم چنین مدار درسا اولاد از همین زاینده آنهاست و شرط است در چهارم  
 و پنجم نیز که کارکن باشند هر چند ضامن باشند و فرق در کار کردن نیت مینا  
 ذراع کردن و آب کشی و سوار کردن و آسیا کردن و ندره میا آنکه مالک آنها را بر عمل داشته  
 باشد یا غیر باذن مالک باشد یا نه و مدار بر صد عرف است در تمام سال که کارکنند  
 آنها را در تمام سال و شرط است در چهارم اخیر آنکه مالک آنها را پیش از وقت وجود مالک  
 شده باشد چه بر اثر عت یا عرس یا مستاقا و چه بیع یا هبه یا صلح یا هجر یا بیعوان پس  
 اگر مستقل شود بعد از تعلق و جوب زکوة بر ناقل است و ولی بعد میشود زکوة در غلای  
 مکرر از وضع خارج سلطه هر چه بکند و بعد از آنجا ذراع چه اخراجات پیش از تعلق  
 و جوب باشد چه اخراجات بعد و اتم و اجرت زمین کردن و طرز روئیدن و اجرت  
 عوامل و مستحفظ ذراع و آنچه موقوف علیه ذرا باشد از ابتداء عمل تا بقیه <sup>دانه</sup>  
 و خشکیدانگور و رطوبت ازین بابت و حوط عدم اخراج غیر خراج سلطه از اهل غلای  
 اعتبار میشود نصا بعد از اخراج جمیع هر چند حوط اعتبار است پیش از اخراج  
 جمیع و حوط بعد از آن اعتبار نصا است بعد از وضع اخراجات تعلق و جوب  
 و معتبره در وضع اخراجات از اجناس زکوی در حین تعلق و جوبست نه در حین اخراج  
 زکوة پس هر گاه قیمت اجناس مختلف شود باید اعتبار بحال اول باشد تا آب و قمر  
 در نصا هر باید اجناس زکوی و مقدار که باید از هر یک اخراج شود و در آن چند  
 فصل فصل اول در آنچه متعلق بغلای است از کندم و جوب و جزها و موز و نصا  
 در غلات مخصوص یک است و پیش از رسیدن آن هر چند قلیل باشد چه واجب نیت چنان

کفایت  
 تصرفات و ساقط است یا نه  
 بلکه با یکبارشان بصلو و اما بطلان  
 و به قدر سقوط و عاده آن قضا لازم است  
 اگر وقت بگذرد و بعد صلح طهوف نیت  
 یا نه در صورت نانی که در کل فتنه ساقط است  
 بلز حکم لزوم قضا است و لازم است که قضا  
 بهمان حکمت آن کند و لازم است که قضا  
 هم بعمل آید پس بعضی در وضع این نحو  
 که بعضی از اعضا از این طریق از آنها  
 و بعضی از این است  
 از اعلی است و بعضی از این است  
 متعین است یا نه بلکه اگر کسی در وقت  
 از حوط پس از حیات و ناسی عین است  
 یا بجا نیست هر یک یک طریقی در این  
 فصل در غلات و موز و نصا  
 متعین است  
 مستند در همان تعلق و جوب

